

# خاطرات باب دیلن

وقتی حالت بدہ کسی سراغترو نمی گیرہ

ترجمہ سید محمد علی برقی

جلد اول

چاپ اول

|     |                         |
|-----|-------------------------|
| ۷   | مقدمه مترجم             |
| ۱۱  | آماده شدن برای اجرا     |
| ۳۱  | سرزمین از دست رفته      |
| ۱۱۱ | صبحی دوباره             |
| ۱۴۷ | ای رحمت                 |
| ۲۱۹ | رود یخ                  |
| ۲۸۷ | باب دیلن به روایت تصویر |

## آماده شدن برای اجرا

رئیس شرکت نشر موسیقی لیدز<sup>۱</sup>، لو لوی<sup>۲</sup>، من رو سوار تاکسی کرد و باهم به ساختمون پیتیان توی خیابان ۷۰ غربی رفتیم تا استودیو ضبط کوچیکی رو که بیل هیلی و گروهش<sup>۳</sup> آلبوم «راک ۲۴ ساعته»<sup>۴</sup> رو اونجا ضبط کرده بودن نشونم بده، بعدش به رستوران جک دمپسی<sup>۵</sup> که تو تقاطع خیابان ۵۸ و برادوی بود رفتیم و سر یه میز مشرف به خیابون نشستیم که با چرم قرمز روکش شده بود.

لو، من رو به جک دمپسی که یه بوکسر معروف بود معرفی کرد. جک در حالی که مشت‌هاش رو بالا گرفته بود و اونها رو توی هوا تکون می‌داد به من گفت:

«واسه یه آدم بزرگ ریزه‌میزه به نظر می‌آی، باهاس چن کیلو چاق شی. باهاس لباسای بهتر بپوشی و مرتب‌تر به نظر بیای -نه اینکه تو رینگ لباس مناسب خیلی مهم باشه- ولی نباهاس از اینکه محکم کسی رو بزنی بترسی.»  
«جک اینکه بوکسر نیست، ترانه می‌نویسه و ما هم قراره کاراشو منتشر کنیم.»  
«آره خوب. امیدوارم همین روزا ترانه‌هاش رو بشنوم. موفق باشی پسر.»

1- Leeds Music Publishing

2- Lou Levy

3- Bill Haley and His Comets

4- Rock Around the Clock

5- Jack Dempsey:

از پرتعدادترین بوکسرهای تاریخ و مدافع عنوان قهرمانی سنگین‌وزن دنیا از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۶ (۱۸۹۵-۱۹۸۳)

بیرون داشت باد می‌اومد و ابرها رو پراکنده می‌کرد. برف تو خیابون‌ها می‌پیچید و آدم‌شهری‌ها لای هم می‌لولیدن و میون اونها دست‌فروش‌هایی که گوش‌هاشون رو پوشونده‌بودن و خرت‌وپرت می‌فروختن، آجیل‌فروش‌ها و درپوش‌های فاضلاب که ازشون بخار بلند می‌شد.

اما هیچ‌کدوم مهم نبودن. مهم این بود که من با شرکت نشر موسیقی لیدز قرارداد امضا کرده بودم تا ترانه‌هام رو منتشر کنن. خیلی چک و چونه نزدیک چون من هنوز چند تا ترانه بیشتر نداشتم. لو به عنوان پیش‌پرداخت برای امضا قرارداد به من ۱۰۰ دلار داد و من هم خوشحال بودم.

جان هموندا، کسی که من رو به شرکت کلمبیا<sup>۱</sup> رکوردز آورد، به لو سفارش کرد که هوای من رو داشته باشه. هموند فقط دو تا از آهنگ‌های من رو شنیده بود ولی می‌دونست که آهنگ‌های بیشتری تو راهه.

توی دفتر لو که بودیم، من کیس گیتارم رو باز کردم و گیتارم رو در آوردم و شروع کردم به زدن. اتاق خیلی شلوغی بود - کلی جعبه پر از نت که روی هم چیده شده بودن، جدول ضبط خواننده‌ها که چسبونده بودن توی تابلو اعلانات، صفحه‌های لاک‌سیاه، صفحه‌های آستات<sup>۲</sup> با برچسب‌های سفید که همه‌جا پخش وپلا بودن، عکس‌های امضا شده آدم‌معروف‌ها، کلی پوستر - جری ویل، ال مارتینو، خواهران اندروز (که یکی‌شون زن لو بود)، نت کینگ کول، پتی پیچ، کرو کاتس<sup>۳</sup> - دو تا دستگاه ضبط صوت نواری و یه میز چوبی قهوه‌ای بزرگ که روش پر خرت و پرت بود. لو یه میکروفون گذاشته بود روی میز جلوی من و سیمش رو هم وصل کرده بود به یکی از ضبط‌صوت‌ها و همش یه سیگار بزرگ رو توی دهنش این‌ور و اون‌ور می‌کرد.

لو گفت: «جان خیلی به تو امیدواره.»

جان همون جان هموند بود، کسی که کارش پیدا کردن استعدادها و معرفی اونها به دنیای موسیقی بود. کسایی مثل بیلی هالیدی، تدی ویلسون،

چارلی کریشن، کب کلووی، بنی گودمن، کونت بیسی، لیونل همپتون<sup>۱</sup>. هنرمندهایی که موسیقی‌شون توی متن زندگی آمریکایی‌ها در جریان بود. همه اینها رو جان به دنیا شناسونده بود. حتی آخرین جلسه‌های ضبط بسی اسمیت<sup>۲</sup> رو هم اون انجام داده بود. افسانه‌ای بود واسه خودش، یک نجیب‌زاده اصیل آمریکایی. مادرش از وندربیلتهای<sup>۳</sup> اصیل بود و جان توی خونه‌ای پر از ناز و نعمت بزرگ شده بود، ولی با این همه رفته بود دنبال کاری که دوست داشت: موسیقی، اون هم از نوع جَز پر شور و حال، موسیقی معنوی<sup>۴</sup> و بلوز که با همه دار و ندارش ازش پشتیبانی و دفاع می‌کرد. کسی جلودارش نبود و اون هم وقت تلف نمی‌کرد. توی دفترش که بودیم، انگار داشتم خواب می‌دیدم. باورم نمی‌شد که قرارداد من رو با کلمبیا رکوردز امضا کرده باشه. انگار همه‌ش یه شوخی بود.

کلمبیا یکی از اولین و بهترین شرکت‌های نشر موسیقی کشور بود و برای من حتی وارد شدن از در ساختمونش هم خیلی حرف بود. آخه کلا موسیقی فولک جدی گرفته نمی‌شد و فقط ناشرهای کوچیک تو کار پخشش بودن. شرکت‌های نشر موسیقی بزرگ فقط مخصوص آدم‌های کاردرست و موسیقی بهداشتی و پاستوریزه‌شون بود. کسی مثل من رو اصلا راه نمی‌دادن تو، مگه تو مواردی خاص. ولی جان هم مرد خاصی بود. اون نه برای بچه‌مدرسه‌ای‌ها موسیقی درست می‌کرد، نه می‌داشت بچه‌مدرسه‌ای‌ها بیان و موسیقی درست کنن. آینده‌نگر بود و می‌دونست داره چیکار می‌کنه. کار من رو دیده بود و شنیده بود و به کارهای آینده من اعتقاد پیدا کرده بود. به من گفته بود که من رو وارث یه ارثیه بزرگ می‌دونه، ارثیه‌ای از بلوز، جز و فولک، نه یه بچه کاردرست که بخواد از خودش نوآوری خرج کنه. البته به‌طور کلی هم توی موسیقی نوآوری خاصی پیدا نمی‌شد. اوضاع موسیقی اواخر دهه ۵۰ و اوایل

1- Billie Holiday, Teddy Wilson, Charlie Christian, Cab Calloway, Benny Goodman, Count Basie, Lionel Hampton.

2- Bessie Smith:

محبوب‌ترین خواننده بلوز دهه‌های ۲۰ و ۳۰ آمریکا که به او لقب ملکه بلوز داده بودند. (۱۸۹۴-۱۹۳۷)

3- Vanderbilt

4- spiritual Music:

مهم‌ترین مرجع سبک موسیقی بلوز که ریشه در موج دوم بیداری مذهبی آمریکایی‌ها در قرن نوزدهم دارد.

1- John Hammond 2- Columbia Records

۳- صفحه‌های آستات نسخه‌های اصلی بودند و صفحه‌های وینیل معمولی از روی آنها به تعداد زیاد کپی می‌شدند.

4- Jerry Vale, Al Martino, The Andrews Sisters, Nat King Cole, Patti Page, The Crew Cuts